

راننده مست به قانون می خندد

حسین فصیحی

۲ میلیون تومان! این گران ترین جریمه رانندگی در ایران برای راننده‌ای است که در حالت مستی پشت فرمان می‌نشیند؛ رقمی که در ظاهر سنگین به نظر می‌رسد، اما در عمل نه مانع از تکتاب تخلف می‌شود و نه امنیت شهروندان را تضمین می‌کند. کافی است راننده متخلف همان لحظه جریمه را با تلفن همراه خود پرداخت کند، هزینه پارکینگ خودرو را بپردازد و پس از طی تشریفات اداری دوباره به خیابان بازگردد، گویی هیچ اتفاقی رخ نداده‌است. رانندگی در حالت مستی از خطرناک‌ترین رفتارهای ترافیکی به شمار می‌رود، رفتاری که تنها جان راننده را تهدید نمی‌کند، بلکه امنیت تمام کاربران راه را به خطر می‌اندازد و می‌تواند در چند ثانیه، خانواده‌ای را داغدار یا فردی را ابرای همیشه معلول کند.

جریمه فعلی بازدارنده نیست

پلیس راهور دیگر پنهان نمی‌کند که جریمه‌های فعلی کارایی خود را از دست داده‌اند. سردار تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا، پیش‌تر اعلام کرده بود افزایش جریمه‌های رانندگی به دلیل کاهش رقم پیش‌نهادهای پلیس و همچنین تورم شدید، اثر بازدارندگی خود را از دست داده‌است. به اعتقاد او، جریمه رانندگی در حالت مستی باید حداقل به ۲۰ میلیون تومان افزایش پیدا کند و در کنار آن، مجازات‌های تکمیلی نیز اعمال شود. سخنان عالی‌ترین مقام حوزه راهنمایی و رانندگی هشدار می‌دهد که سوی نهادهای است که هر روز با پیامدهای تلخ تخلفات رانندگی سروکار دارد. با این حال، این مطالبه هنوز در فرآیند تصمیم‌گیری به نتیجه نرسیده‌است.

واقعتی که نمی‌توان نادیده گرفت

اگرچه مصرف مشروبات الکلی در ایران از منظر شرعی و قانونی ممنوع است، اما واقعیت‌های اجتماعی تصویر دیگری را نشان می‌دهند. سال‌های اخیر اخبار متعددی از مسمومیت با الکل، نابینایی

ناشی از مصرف مشروبات تقلبی و حتی مرگ مصرف‌کنندگان منتشرشده است. وزارت بهداشت نیز تأیید کرده که مصرف الکل به خوبی در جامعه وجود دارد. با وجود این، آمار رسمی و شفافی درباره میزان مصرف منتشر نمی‌شود. پنهان ماندن آمار، اما از بروز آسیب‌ها جلوگیری نکرده‌است. یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها حضور رانندگان مست در خیابان‌ها و جاده‌هاست؛ افرادی که کاهش هوشیاری، اختلال در تمرکز و تأخیر در واکنش، احتمال وقوع تصادف را چندین برابر افزایش می‌دهد.

قانونی که هزینه تخلف را پایین نگه داشته‌است

روشن است قانون زمانی بازدارنده است که هزینه ارتکاب تخلف از منفع‌ آن بیشتر باشد، اما در مورد رانندگی در حالت مستی چنین نسبیتی دیده نمی‌شود. راننده متخلف در نهایت جریمه نقدی را پرداخت می‌کند، ممکن است خودرو برای مدتی توقیف شود

و چند نمره منفی نیز در گواهینامه او ثبت شود، مجازاتی که برای بسیاری از متخلفان چندان جدی تلقی نمی‌شود. در واقع، قانون هنوز رانندگی در حالت مستی را بیشتر یک تخلف مالی می‌بیند تا تهدیدی علیه امنیت عمومی، در حالی که نتیجه این رفتار می‌تواند با بسیاری از جرائم پرخطر برابری کند.

مطالبه‌ای فراتر از افزایش جریمه

اگرچه افزایش مبلغ جریمه ضروری به نظر می‌رسد، اما تجربه کشورهای مختلف نشان داده‌است که جریمه نقدی به تنهایی رفتار رانندگان پرخطر را اصلاح نمی‌کند. آنچه می‌تواند بازدارندگی واقعی ایجاد کند، اعمال محرومیت‌های اجتماعی و حقوقی است، محرومیت‌هایی که متخلف احساس کند ار تکتاب چنین رفتاری، بخشی از حقوق شهروندی او را برای مدت قابل توجهی سلب خواهد کرد. ابطال لایق تعلیم طولانی مدت گواهینامه، ممنوعیت دریافت مجدد آن تا



گذراندن دوره‌های آموزشی و روان‌شناختی، محرومیت از رانندگی حرفه‌ای، الزام به انجام خدمات عمومی مرتبط با قربانیان تصادفات و ثبت این تخلف در سوابق رانندگی، از جمله راهکارهایی است که بارها مطرح شده‌است. موضوع دیگری که بر آن تأکید می‌شود، تجهیز همه مأموران پلیس راهور به دستگاه تست الکل است. امروز ثبت تخلفات رانندگی با تجهیزات هوشمند انجام می‌شود، اما تشخیص راننده مست هنوز در بسیاری از موارد وابسته به علائم ظاهری است. این در حالی است که در بسیاری از کشورها، دستگاه تست الکل یکی از تجهیزات ثابت مأموران پلیس است و رانندگان می‌دانند هر توقف می‌تواند با آزمایش الکل همراه باشد. همین احتمال بالای شناسایی، در بسیاری از موارد از خود جریمه مؤثرتر عمل می‌کند.

قانون باید اقتدار پلیس را تقویت کند

وقتی عالی‌ترین مقام پلیس راهور کشور آشکارا از ناکارآمدی جریمه‌ها سخن می‌گوید، انتظار می‌رود قانون‌گذار نیز این هشدار را جدی بگیرد. اقتدار پلیس تنها با حضور در خیابان حفظ نمی‌شود، این اقتدار زمانی معنا پیدا می‌کند که قانون نیز پشتوانه اجرای آن باشد. اگر راننده متخلف مطمئن باشد یا پرداخت مبلغی نچندان سنگین دوباره می‌تواند به رانندگی ادامه دهد، طبیعی است که قانون نزد او اعتبار خود را از دست بدهد.

امروز مطالبه بسیاری از کارشناسان و فعالان حوزه ایمنی راه، صرفاً افزایش مبلغ جریمه نیست، بلکه تغییر نگاه قانون به رانندگی در حالت مستی است. رفتاری که می‌تواند جان ده‌ها انسان را به خطر بیندازد، نمی‌تواند تنها با یک قبض جریمه پاسخ داده شود. تا زمانی که هزینه اجتماعی این تخلف افزایش پیدا نکند، راننده مست همچنان جریمه را پرداخت خواهد کرد و دوباره پشت فرمان خواهد نشست؛ چرخه‌ای که قربانیان آن، شهروندانی هستند که تنها برای رسیدن به مقصد، از خیابان عبور کرده‌اند.

جراحی‌های زیبایی با مدرک فوق‌دیپلم!



غلامرضا مسکنی

دو مرد با مدرک کاردانی، کلینیک زیبایی راه‌اندازی و با عمل‌های غیرمجاز، صورت زنان را دچار آسیب‌های جدی کردند. پلیس آنان را بازداشت و کلینیک را پلمپ کرد.

□ □ □

چندی قبل، زن جوانی با چهره‌ای ورم کرده، کج و غوغایی به دادسرای جرائم پزشکی در تهران مراجعه کرد و از مردی پزشک‌نما به اتهام آسیب زدن به صورتش حین عمل زیبایی شکایت کرد. وی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «مدتی بود احساس می‌کردم صورتم چروک برداشته و زیبایی‌ام را از دست داده‌ام. احساس یبی به من دست داده بود و افسردگی گرفته بودم که به پیشنهاد یکی از دوستانم تصمیم گرفتم پوست صورتم را جوان‌سازی کنم. دنبال پزشک زیبایی می‌گشتم تا اینکه در تبلیغات اینستاگرام با کلینیک زیبایی در شمال تهران آشنا شدم که توسط یک بلاگر تبلیغ می‌شد. آنقدر تبلیغات آن فریبنده بود که تصور کردم یکی از بهترین کلینیک‌های زیبایی ایران است، اما خبر نداشتم که همه آن تبلیغات، دروغی بیش نیست و فقط برای کسب درآمد است.»

وی ادامه داد: «به هر حال نوبت گرفتم و بعد از مشورت با فردی که خودش را پزشک معرفی می‌کرد، برای تزریق فیلر و چربی به صورت به آنجا رفتم. خوشحال بودم که پس از عمل زیبایی‌ام چند برابر شده‌ام، اما بلافاصله پس از عمل، صورتم به شدت ورم کرد به صورتی که چشمانم به ریز زور می‌شد. وقتی با این صحنه روبه‌رو شدم، حالم خیلی بد شد، اما مردی که عمل کرده بود گفته عوارض عادی بعد از عمل است و به زودی صورتم به حالت اول برمی‌گردد، اما نفع‌ت‌ها ورم صورتم کامل از بین نرفت که عفونت بدمی هم گرفت و الان صورتم حالت کچی پیدا کرده‌است. پس از این تحقیق کردم که فهمیدم تعداد زیادی از زنانی که برای زیبایی به آنجا مراجعه کرده‌اند با همین مشکل یا مشابه آن دچار شده‌اند و احتمال می‌دهم فردی که مرا عمل کرد، پزشک

گفت‌وگو با متهم

متهم اصلی، مرد ۲۰ساله‌ای به نام فرامرز است که با تنها مدرک کاردانی، اقدام به انجام عمل‌های زیبایی می‌کرده‌است. به گفته خودش، از دوران نوجوانی عاشق پزشکی بوده، اما حوصله درس خواندن در این رشته را نداشته‌است و صرفاً پر اساس تجربیات محدودی که به دست آورده بود، عمل‌های زیبایی انجام می‌داده‌است.

□ □ □

فرامرز، مدرک پزشکی داری؟

نه. مدرک کاردانی دارم. من از دوران نوجوانی علاقه زیادی به علم پزشکی داشتم. آرزو داشتم روزی روپوش سفید به تن کنم و عمل زیبایی انجام دهم، اما در رشته پزشکی درس نخواندم. باید سال‌ها درس می‌خواندم اما حوصله این همه پشت‌میزی را نداشتم. اما این

نیست و از او به اتهام آسیب زدن به صورت شکایت دارم.»

تحقیقات پلیس

با ثبت این شکایت، بازرس دادسرای جرائم پزشکی پرونده را در اختیار تیمی از مأموران پلیس قرار داد. تحقیقات نشان داد که کلینیک مورد نظر از سوی دو مرد که ادعا می‌کنند پزشک هستند، اداره می‌شود و هر روز زنان زیادی که با تبلیغات در فضای مجازی با آن آشنا شده‌اند، برای عمل زیبایی به آنجا مراجعه می‌کنند.

از سوی دیگر، مأموران همزمان با بررسی‌های فنی با چند شکایت مشابه دیگر نیز روبه‌رو شدند که همگی آنها زنان جوانی بودند که برای زیباتر شدن زیر تیغ جراحی آن دو مرد رفته بودند، اما پس از عمل با آسیب‌های جسمی و روحی و روانی زیادی روبه‌رو شده‌بودند. با به

دست آمدن این اطلاعات، تیمی از مأموران پلیس به کلینیک مورد نظر رفتند و در آنجا با دو مرد که روپوش سفید پزشکی به تن داشتند و ادعا می‌کردند پزشک زیبایی هستند، مواجه شدند، اما پس از بررسی‌های فنی، دریافتند که این دو مرد اصلاً هیچ مدرک پزشکی ندارند و حتی یک روز هم در دانشگاه‌های پزشکی و مراکز علمی مشابه درس نخوانده‌اند. تنها مدرک تحصیلی که دو مرد ارائه کردند، مدرک کاردانی بود که ربطی به تخصص پزشک زیبایی نداشت.

کشف مواد تقلبی

در ادامه بررسی‌ها و بازرسی از کلینیک، مأموران با جرم مشهود دیگری مواجه شدند که آنها را به شوک وادار کرد. مواد مصرفی که این دو مرد برای بوتاکس و فیلر استفاده می‌کردند، تقلبی و غیراستاندارد بود که مشخص شد علت عفونت‌ها و ورم‌های صورت مشتریان، همگی به خاطر تزریق این مواد به پوست صورت آنها بوده‌است.

بدین ترتیب، مأموران به دستور مقام قضایی کلینیک را پلمپ و دو مرد را بازداشت کردند. متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس قرار گرفتند.

صدمات جانی ندارد، شاید عوارضی داشته باشد. از طرفی الان کارهای تزریق پوستی و بوتاکس را سالن‌های زیبایی که هیچ تجربه‌ای ندارند، انجام می‌دهند. من حداقل در این رشته دستیار بودم و از تجربیات پزشکان استفاده می‌کردم.

تعدادی از افرادی که برای زیبایی مراجعه کرده‌بودند، دچار عوارض شدید پوستی شدند، درست؟

بله، اما خیلی‌ها از عمل‌هایی که من انجام می‌دادم راضی بودند. به نظریم آن تعدادی که دچار عوارض شدند، به خاطر رعایت نکردن مراقبت‌های بعد از عمل بوده یا پوست نکرده‌شان حساس بوده‌است. در عوض ما نسبت به کلینیک‌های مشابه هزینه خیلی کمتری می‌گرفتیم.

یعنی به خاطر هزینه کم به شما مراجعه می‌کردند؟

خبرنگاری در عصر بی‌توجهی



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

هفدهم مرداد هر سال، روز خبرنگار فرا می‌رسد و بار دیگر از رسالت رسانه، حق مردم برای دانستن و جایگاه خبرنگاران سخن گفته می‌شود، اما پرسش اصلی این است که آیا خبرنگاری امروز هنوز همان کارکردی را دارد که باید داشته باشد؟ آیا رسانه همچنان می‌تواند در اصلاح امور، نظم‌بخشی به جامعه و دفاع از حقوق عمومی اثرگذار باشد، یا روز خبرنگار تنها به مناسبتی در تقویم رسمی کشور تبدیل شده است؟

ارزش خبرنگار زمانی آشکار می‌شود که نتیجه آن در جامعه دیده شود. اگر رسانه از یک آسیب اجتماعی پرده بردارد، افکار عمومی حساس شود، مسئولان پاسخ دهند، قانون اصلاح شود و مردم احساس کنند صدایشان شنیده شده‌است، آن گاه می‌توان گفت خبرنگاری به رسالت خود عمل کرده‌است. اما اگر هزاران گزارش منتشر شود و هیچ تغییری در واقعیت زندگی مردم رخ ندهد، طبیعی است که این پرسش شکل بگیرد که رسانه تا چه اندازه توان اثرگذاری خود را حفظ کرده‌است. نمونه‌های این وضعیت کم نیست. سال‌هاست رسانه‌ها درباره نابسامانی بازار خودرو، کیفیت پایین تولیدات داخلی، قیمت‌های غیرمتعارف، انحصار، ضعف خدمات پس از فروش و هزینه‌های سنگینی که بر مردم تحمیل می‌شود گزارش می‌نویسند. کارشناسان اقتصادی، حقوقی و صنعتی بارها نسبت به پیامدهای این وضعیت هشدار داده‌اند، اما نتیجه ملموس این همه مطالبه‌گری چیست؟ چرا همچنان یک شهروند ایرانی باید برای خودرویی که از نظر کیفیت با استانداردهای جهانی فاصله دارد، هزینه‌ای سنگین بپردازد؟ چرا رقابت واقعی شکل نمی‌گیرد؟ چرا درباره تصمیم‌هایی که مستقیماً بر زندگی میلیون‌ها نفر اثر می‌گذارد، پاسخگوی روشنی وجود ندارد؟ وقتی انبوه گزارش‌ها و هشدارهای پاسخ می‌ماند، این احساس شکل می‌گیرد که رسانه دیگر توان تأثیرگذاری گذشته را ندارد.

این مسئله تنها به صنعت خودرو محدود نیست. در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیط‌زیست، سال‌هاست کارشناسان و خبرنگاران از بحران‌ها سخن می‌گویند، اما هشدارها اغلب در چرخه‌ای از انتشار و فراموشی گرفتار می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش اعتماد عمومی به اثربخشی رسانه‌است. اتفاقی که نه تنها خبرنگاران، بلکه برای کل جامعه زیان‌بار است.

از سوی دیگر، تغییرات فناوری نیز معادلات اطلاع‌رسانی را دگرگون کرده‌است. رسانه‌های رسمی دیگر تنها مرجع انتشار خبر نیستند و شبکه‌های اجتماعی بخش بزرگی از جریان اطلاع‌رسانی را در اختیار گرفته‌اند. سرعت انتشار خبر افزایش یافته، اما در بسیاری از موارد، راستی آزمایی و دقت قربانی این شتاب شده‌است. در چنین فضای، شایعه و اطلاعات نادرست با سرعتی بیشتر از اخبار دقیق منتشر می‌شوند و مرز میان حقیقت و روایت‌های غیرمسند کم‌ترنگ از گذشته شده‌است.

اگر به دو یا سه دهه قبل بازگردیم، زمانی که شبکه‌های اجتماعی هنوز به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل نشده بودند، رسانه‌های حرفه‌ای جایگاهی متفاوت داشتند. انتشار یک گزارش تحقیقی می‌توانست یک پرونده را به جریان بیندازد، یک مطالبه عمومی را شکل دهد و مسئولان را وادار به پاسخگویی کند. مخاطب نیز رسانه را مرجع معتبر خبر می‌دانست و خبرنگار احساس می‌کرد حاصل روزها تحقیق و پیگیری او می‌تواند تغییری واقعی ایجاد کند.

امروز اما رسانه‌ها علاوه بر همه محدودیت‌های حرفه‌ای، با مشکلات اقتصادی نیز دست و پنجه نرم می‌کنند. دغدغه تأمین معاش برای بسیاری از خبرنگاران به مانعی جدی در مسیر تولید محتوای عمیق و تحقیقی تبدیل شده‌است. خبرنگاری که ناچار است بیش از آنکه به کشف حقیقت بپردازد، نگران هزینه‌های زندگی باشد، چگونه می‌تواند تمام ظرفیت حرفه‌ای خود را صرف مطالبه‌گری و نظارت عمومی کند؟

جامعه‌ای که به هشدارهای رسانه بی‌اعتنا باشد، در واقع یکی از مهم‌ترین ابزارهای اصلاح خود را تضعیف کرده‌است. بی‌توجهی به گزارش‌های مستند، تنها ناپدیدگرفتن زحمات خبرنگاران نیست، بلکه نادیده گرفتن حق مردم برای آگاهی و حق جامعه برای اصلاح است. اگر قرار باشد هیچ نهادهای نسبت به پرسش‌های رسانه پاسخگو نباشد، میدان برای شکل‌گیری انحصارها، رانت‌ها و شبکه‌هایی که بدون پاسخگویی به منابع عمومی اثر می‌گذارند، گسترده‌تر خواهد شد. شاید بزرگ‌ترین احترام به روز خبرنگار، برگزاری مراسم صدور پیام‌های تبریک نباشد. احترام واقعی آن است که رسانه دوباره بتواند نقش طبیعی خود را در جامعه ایفا کند، یعنی پرسش بپرسد، پاسخ بخواهد، مطالبه عمومی را نمایندگی کند و اثر این مطالبه‌گری در زندگی مردم دیده شود. تا زمانی که گزارش‌های مستند تنها منتشر شوند و هیچ بازتاب عینی در تصمیم‌گیری‌ها، پاسخگویی مسئولان و اصلاح امور نداشته باشند، روز خبرنگار بیش از آنکه یادآور قدرت رسانه باشد، یادآور جای خالی کارکردی خواهد بود که جامعه بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد.

دانش آموز تایلندی خون به پا کرد

تیراندازی در مدرسه‌ای در شمال پایتخت تایلندی ۹کشته و ۳۰زخمی بر جای گذاشت.

حادثه تیراندازی در مدرسه‌ای در منطقه بانگ کروی استان نوتابوری، در شمال بانکوک صبح روز گذشته اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد عامل تیراندازی در مدرسه یکی از دانش‌آموزان بوده که بعد از حادثه خونین خودکشی کرده‌است. براساس آخرین گزارش‌ها ۹ نفر در جریان حادثه جان باخته و ۲۰ نفر هم زخمی شده‌اند. پلیس تایلندی اعلام کرد که سه نفر از قربانیان حادثه هنوز معلّم هستند. همچنین گزارش داد که عامل تیراندازی پیش از حمله به مدرسه، پدربزرگ و مادر بزرگ خود را کشته بود و در نهایت، در مدرسه خودکشی کرد. به گفته پلیس تایلندی، مظنون دانش‌آموز کلاس نهم (حدود ۱۴ ساله)، ۲۶ گلوله شلیک کرده و ۳۴ گلوله دیگر در محل تیراندازی پیدا شده‌است.

